



# طرح ایجاد زمینه های مطلوب

## برای توریسم فرهنگی



### در استان اصفهان

#### مقدمه سردبیر:

شاید به جرأت بتوان گفت تنها منبع درآمد یک کشور که هیچگاه دستخوش خسارت کمبود و فقدان نخواهد شد، همانا جاذبه‌های جهانگردی و آثار تاریخی است.

امروزه بسیاری از کشورها به جهت ارزش افزوده فوق‌العاده صنعت توریسم، ایجاد جاذبه‌های جهانگردی را جزو استراتژی اقتصادی و حتی ملی خود قرار داده‌اند، پارکهای وحش بزرگ، باغهای گل، و حتی ساختمانهای آسمان‌خراش اگر چه اثر تاریخی نیستند، لیکن بجز استفاده و بهره‌برداری مطلوبی که از آنها در داخل کشورها می‌شود، به گونه‌ای طراحی می‌شوند که برای مشتاقان و جهانگردان جاذبه داشته باشد. به عنوان نمونه، آسمان‌خراش ۸۰۰ متری ژاپن که تا چند سال دیگر به بهره‌برداری خواهد رسید و پذیرای دهها هزار نفر برای زندگی، تحصیل، تفریح و غیره خواهد بود، نه تنها یک طرح با دیدگاههای ملی و اقتصادی است،

بلکه علاقه‌هرسیاحی را برای سیاحت بلندترین ساختمان جهان تحریک می‌کند. به‌رحال جایگاه این صنعت در حال حاضر در تمامی کشورهای جهان ثابت و شناخته شده است. در کشور ما نیز پس از انقلاب بحثهای فراوانی در این خصوص مطرح شده، گروهی رشد رفت و آمدهای جهانگردی و سیاحتی مردمان دیگر ممالک را، موجب شیوع و رشد فسادهای اخلاقی و فرهنگی می‌دانند، جمعی دیگر توریسم را صرفاً از دیدگاه اقتصادی ارزیابی کرده و عدم استفاده از جاذبه‌های جهانگردی را خسارت غیرقابل جبران می‌دانند. ولی با تکیه به واقعیات و اصول می‌توان به این امر واقف شد که استفاده بهینه از جذابیت‌ها و آثار ملی و فرهنگی با رعایت اصول و با توجه به اعتقاد ما به حقانیت دین مبین اسلام و حد بالای فرهنگ ملی مردم کشورمان کاملاً مقدور است. بایستی به این نکته مهم توجه کنیم، که عدم استفاده



فرهنگی و اقتصادی از آثار ارزشمند تاریخ، سیاحتی کشور غیرقابل توجه و غیرمنطقی است. شرط اساسی تبادل فرهنگ، از طریق آمد و شدهای جهانگردان است. شاید منظور گروهی که معتقد به محدودیت ورود سیاحان به داخل کشور می‌باشد این است که در فرآیند این صنعت، خصوصاً برای کشور ما، می‌بایست افزونی داده‌ها بر آوردهای فرهنگی محسوس باشد، و باید شرایط در تمامی زمینه‌ها و مکانها بگونه‌ای مهیا شود، که جهانگرد مجذوب دو جذب گردد، اولی همان است که هدفش سیاحت آن می‌باشد و دومی جذبه‌ای است که ناخودآگاه باید به او القا شود، یا بهتر بگوئیم ارائه گردد و این جذب همان فرهنگ اصیل، پرمحتوا و انسان‌ساز اسلامی و ملی ماست (که در عین صلابت و قدرت باطنی آن، ما بعضاً از به ظهور و بروز درآوردنش ناتوانیم). در اینجا ذکر این نکته لازم است که اگر ما در ارائه مطلوب و قابل پذیرش فرهنگمان به مردم دیگر بلاد و ممالک، عامل و موفق باشیم، دیگر خوف چندانی از تأثیرگذاری فرهنگ بیگانگان در داخل کشور وجود نخواهد داشت، اگرچه همین بحث نیز با تمهیدات و مقررات مناسب تا حد زیادی قابل کنترل می‌باشد.

فصلنامه فرهنگ اصفهان نیز به جهت انجام تعهد فرهنگی در تنویر افکار و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای طرح مباحث فرهنگی برآن است تا نظرات صاحبان فکر و اندیشه را از این طریق منتشر نماید. در این راستا اولین مطلب، تحت عنوان «طرح ایجاد زمینه‌های مطلوب برای توریسم فرهنگی در استان اصفهان» تألیف دکتر محمدحسین رامشت (رئیس گروه جغرافیایی دانشگاه اصفهان) ارائه می‌گردد. این مقاله چندی پیش در سمینار اصفهان و جاذبه‌های ایرانگردی و جهانگردی، که به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان ترتیب یافته بود، مطرح گردید.

### مقدمه مؤلف:

آنچه سبب شده است موضوع توریسم مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گیرد بیشتر جنبه‌های اقتصادی آن است. در دنیای ما با این مسئله هم، مانند همه مسائل دیگر به دیده یک منبع درآمد ارزی نگریسته می‌شود. این نوع نگرش در باره توریسم مستلزم پذیرش بسیاری از مسائل جنبی است، زیرا که توریست بیشتر برای حظ بصری و بهره‌مندی از زیباییهای طبیعی و گذراندن اوقات فراغت خود به محیط‌های متنوع تمایل نشان می‌دهد و لازمه فراهم نمودن چنین خدماتی به این قشر، که معمولاً از اقشار مرفه محسوب می‌شوند، بعضاً در فرهنگ اسلامی به‌عنوان یک ضد ارزش از آن یاد می‌شود.

نکته دیگر آنکه گسترش توریسم، جامعه میزبان را به سمت گرایشات خاصی سوق می‌دهد که گاهی این سمت‌گیریها از دیدگاه فرهنگی مطلوب به‌نظر نمی‌آید. زیرا کسانی که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند همواره به امید انعام و بخشش بیشتر، تمکین بیشتری را خواهند پذیرفت و این روحیه خودبه‌خود بزرگمایگی و شرافت بشری را تضعیف می‌نماید.

این مطلب از نظر اندیشمندان مغرب زمین نیز مورد بازنگری قرار گرفته و به انحاء گوناگون چنین خطری را همواره به نقادی به دولتمردان خود گوشزد می‌کنند. نمونه بارز چنین احساس خطری را می‌توان از سریال تلویزیونی «زن‌جیر» به خوبی درک کرد. به قول کارگردان انگلیسی این سریال اگر روند به همین‌گونه پیش رود، کشوری که ملتش افتخارشان اختراع ماشین بخار بوده است، در آینده‌ای نه چندان دور گارسون و پیش‌خدمت مردمی خواهند شد که برای گذراندن تعطیلات خود به کنار دریای مانس می‌آیند و بدون تردید نضح و فراگیر شدن فرهنگ پیش‌خدمتی برای هیچ ملت و قومی ارزش و مقدار تلقی نخواهد شد.



**\* به عبارت دیگر ساختهای کالبدی این شهر نمایش پرده‌ای از تفکر اسلامی در باره دنیا، برزخ و قیامت است که در انتها به وصل به معشوق منتهی می‌شود.**

پس پالایش رفتارها و تصمیمها در قالب عقود و پیش‌فرضهای اسلامی، در این زمینه نیز بایستی خلاقیت و نوآوری از خود نشان دهد.

بشر ضمن جدال بر سر حراست از مرزهای سیاسی-قومی و کسب تملک بسیاری از پدیده‌ها برای قوم و یا ملتی خاص، در بسیاری از موارد چنین احساس می‌کند که پاره‌ای از مقولات متعلق به همه است و جامعه بشری می‌بایست بتواند بدون در نظر گرفتن قانون تملک از آن بهره‌مند شود. اگرچه این احساس به نفی تملک شیء یا پدیده خاصی به قوم یا ملتی نمی‌انجامد، ولی بهره‌مندی از آن برای همه را مشروع و مجاز تلقی می‌کند. برای مثال تفکر یا بینش یک

از طرفی، گرچه درآمد ناشی از توریسم معمولاً بالا و سرمایه‌گذاری در این زمینه سریعاً بازپرداخت می‌شود، ولی همیشه این خطر وجود دارد که این بخش از سرمایه‌های مالی و انسانی در مواقعی که توریست‌ها احساس امنیت کافی نکنند به رکود کشانده شود، و این رکود می‌تواند مشکلات فراوانی را برای کسانی که در این بخش‌ها فعالیت دارند به وجود آورد. اگر به مجموعه مطالب فوق مسائل فرهنگی، سیاسی، بهداشتی... ناشی از صنعت توریسم را نیز بیافزاییم با این سؤال روبه‌رو خواهیم بود که:

**«آیا می‌توان برای توریسم جایگاهی در برنامه‌ریزی ملی پیش‌بینی نمود و اگر جواب مثبت است، آن جایگاه کدام است؟»**

شاید اگر به توریسم با بنیان فلسفی دیگری نگریسته شود بتوان تمهیداتی اندیشید که ضمن تأمین درآمدهای ارزی، از بسیاری مسائل و مشکلات ناشی از پذیرفتن توریسم در چهارچوب برنامه‌های توسعه به‌دور ماند. البته بدیهی است که ترسیم این چهارچوب همانند بسیاری از موارد رایج در دنیای امروز تفاوت خواهد داشت ولی به‌رحال جامعه‌ای چون جامعه ایران که با دید خاصی به مسائل می‌نگرد و به‌شدت در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





فیلسوف، متعلق به قبیله و قوم خود وی نیست و هر جهان‌وندی مجاز است که از یافته‌های اندیشمندی که وابستگی به قوم او ندارد نیز بهره‌مند شود، لذا بهره‌مندی از تفکر، فرهنگ و... فرامرز قیدوبندهایی که جامعه بشری برای خود تنیده است، مشروع تلقی می‌شود.

میراث‌های فرهنگی ملل در واقع دفاتر ثبت جهان‌بینی، نوع نگرش و تفکرات جوامع عقول یا متفکران آن ملل تلقی می‌شوند، و همان‌گونه که نمی‌توان کسی را که کتاب کانت را می‌خواند به دلیل غیرآلمانی بودنش از بهره‌مندی منع کرد، نمی‌توان نسلهای امروزی بشری را نیز از دیدن میدان نقش جهان که بازتاب و تبلوری از جهان‌بینی و تفکر یک فیلسوف حکیم است، به صرف تعلق مکانی آن به ما محروم ساخت. میراث‌های فرهنگی ملل مجموعه‌ای از تفکرات عینیت یافته متفکران هر عصر بشری است و بهره‌مندی از تفکر و اندیشه برای جامعه بشر مشروع است. اگرچه بضاعت حوصله در این مقال بیش از این نیست، ولی به هر حال می‌توان به توریسم از این دیدگاه نیز نگرست و البته چنانچه با چنین منشی بخواهیم توریسم را ترویج کنیم، با قشر خاصی از توریست‌ها روبه‌رو خواهیم بود که ذائقه آنها در تلذذ از پدیده‌ها

تاریخ رنجهای متعدد را بر خود هموار ساخته‌اند تا به اغنای روح فرهنگی خود جامعه عمل ببوشانند و خیل عظیمی از اندیشمندان، دانشگاهیان، دانشجویان، پژوهندگان و متفکران، علاقه‌مند در سطح جامعه ملل وجود دارند که تنها به‌عنوان یک بیننده مهمان ما نخواهند بود، بلکه به‌عنوان مروّجان علاقه‌مند که مخاطبین بسیار دارند و همه از نخبگان و مدیران آینده خواهند بود نیز مطرح‌اند.

در واقع بخش عمده‌ای از توریست‌های فرهنگی ضمن بهره‌مندیهای متعدد از دیدن فضاهای مذکر، حاملان پیام حقیقت بسیاری از وجوه فرهنگی و تفکری میراث‌های فرهنگی ما خواهند بود و چون مجموعه یافته‌های خود را با نظامی خاص تدریس و یا تدوین می‌کنند، همین مفاهیم با عمق خاص به مخاطبین انتقال خواهد یافت که در آینده مدیران ملل مختلف در سطوح گوناگون خواهند شد. و این روند در تعالی تصحیح و بهبود روابط ملل و برداشتهای تفاهم آینده و درک بیشتر جوامع کمک بسیار خواهد داشت. توریسم فرهنگی نه تنها یک منبع درآمد ارزی که یک برنامه‌ریزی فرامرزی در تفاهم، همکاری و درک بهتر بین‌المللی است. با این مقدمه شاید بتوان نتیجه گرفت که چرا وقتی از توریسم صحبت می‌شود توریسم

**\* گسترش توریسم، جامعه میزبان را به سمت گرایشات خاصی سوق می‌دهد که گاهی این سمت‌گیریها از دیدگاه فرهنگی مطلوب به نظر نمی‌آید.**

فرهنگی را باید برگزید و با چنین گزینه‌ای آیا اصفهان توانمندیهای لازم برای جذب چنین توریسمی را دارد؟

**اصفهان یک فضای مذکر نادر:**

اصفهان از نوادر شهرهایی که می‌توان به جرأت آن را از میان شهرهای مهم دنیا مستثنی و منحصر به فرد تلقی

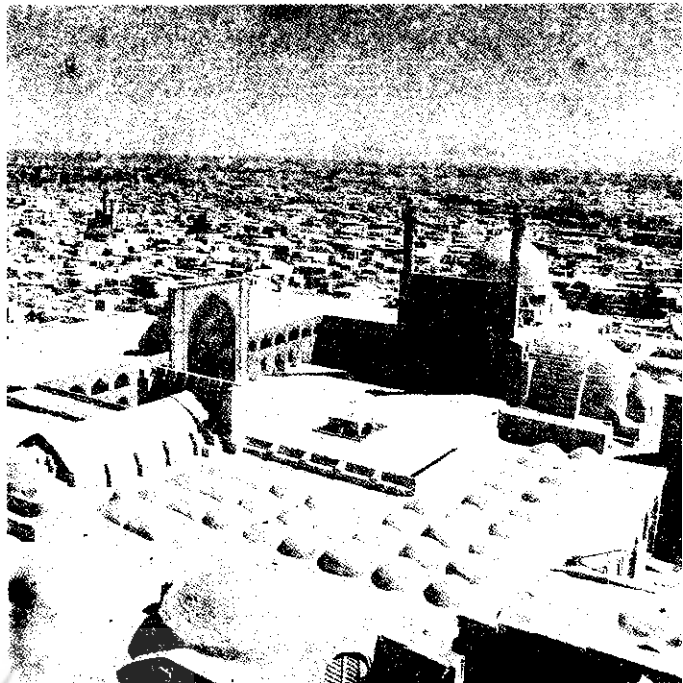
با عامه توریست‌ها تفاوت فاحش دارد و لذا ما این قشر را توریسم فرهنگی می‌نامیم.

اگرچه در اولین نگاه به نظر می‌آید که تعداد کسانی که این تعریف بر آنها صادق است اندک‌اند ولی با کمی تأمل در خواهیم یافت که این چنین نیست و اتفاقاً این قشر برای دریافت بسیاری از مفاهیم، همواره در طول

در مجموع باید گفت اصفهان نه تنها تبلوری از یک توسعه جهان‌بینی است، بلکه با داشتن دهها مناره، برج کبوتر، آثار تاریخی مذهبی مانند، مسجد و کلیسا و میدان و بازار و عمارت و باغ، از نظر تنوع مکانی از بی نظیرترین شهرهای موجود محسوب می‌شود و وجود مقابر دو تن از انبیاء الهی و دیگر مشاهیر در این شهر میدان حکمت و علم روح معنوی خاصی در کالبد آن می‌دهد.

این شهر از نظر کارهای دستی و همچنین خدمات و فضای مصفاای طبیعی نیز کم‌نظیر است و آنچه که بیشتر بر جاذبه‌های توریسم فرهنگی آن می‌افزاید وجود مناظر طبیعی و زمین‌شناسی خاصی است که در اطراف آن می‌تواند مشتاقان این‌گونه پدیده‌ها را به‌خود جلب نماید.

تیب‌ترین نمونه پلایاهای مناطق خشک، کلاسی‌های بی‌کرانه، سطوح رگ، برخانهای ماسه‌ای، تراسهای آبرفتی، چشمه‌های تراورن‌ساز، سنگهای رسوبی، آتش‌فشانی، دگرگونی، و ده‌ها پدیده مهم زمین‌شناسی دیگر را می‌توان در شعاع ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری از شهر مشاهده نمود، که چنانچه به این مجموعه‌ها موزه و نمایشگاههای دائمی و تالارهای برگزاری سمینارهای علمی افزوده گردد، کمک فراوانی در تجمیع و تکمیل دیدنیهای این شهر خواهند نمود. منطقه اصفهان کارگاه دیدنی برای شهرسازان جدید است، زیرا تجربه‌های عملی نظریه‌های متعدد شهرهای اقماری با زمینه‌های مختلف در اطراف آن شکل گرفته است. در واقع نظریه‌پردازان می‌توانند نمونه عینی و تبلور یافته اندیشه خود را همراه با میزان واقعیت یافتن آن نظرات، در عمل به چشم ببینند. در ضمن نوشیدنی‌ها، اطعمه و غذاهای خاص این شهر نیز از جمله ویژگیهای دیگر آن است که با ذائقه غالب خارجی‌ان همخوانی دارد. استان اصفهان برای جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز با وجود دوایل مهم بختیاری و قشقایی صحنه دیگری از چشم‌اندازهای



کرد و این ویژگی ناشی از آن است که کالبد شهر در مجموع یک واحد منسجم و ارزشمند تلقی می‌شود، و حامل نکته‌ها و لمعه‌های تفکری و بینشی خاصی است. به عبارتی در دیگر شهرهای مشهور ممکن است یک ساختمان یا یک مجموعه و یا آثار منفردی چنین مفهومی را دنبال کنند، حال آنکه در اصفهان همه شهر چنین بار فلسفی را به‌دوش دارد.

اصفهان ضمن آنکه سبک خاصی از معماری است، کالبد کلی آن بیانگر تفکر سیستمی طراحان آن بوده و در واقع غوری در اندیشه‌های تاریخ گذشته دارد و نمودی از یک هزار سال تفکر حکیمایی فیلسوف و مهندسانی مجتهد به‌شمار می‌آید.

به عبارت دیگر ساختهای کالبدی این شهر نمایش پرده‌ای از تفکر اسلامی در باره دنیا، برزخ و قیامت است که در انتها به‌وصل به معشوق منتهی می‌شود. از این گذشته اصفهان موزه‌ای استثنایی از تاریخ طبیعی به‌ویژه در دوران چهارم زمین‌شناسی است و زاینده‌رود و حاشیه آن برای آنان که زبان رمز طبیعت را فهم می‌کنند، هزار لمعه از تاریخ طبیعی را در یک پرده رخنمونی به نمایش می‌گذارد.

پاره‌ای از قوانین فرهنگی را به‌عنوان پیش‌فرضی پذیرفته شده تلقی نمایند، و همان‌گونه که ملل مختلف در ورود و خروج کالا از مرزهایشان در چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای اصولی تعریف‌شده را حرمت می‌گذارند، در مراودات و روابط فرهنگی و ارزشی نیز لازم است اصولی را بپذیرند. بدون تردید همان‌گونه که بشر برای مشارکت نوین بین‌المللی مجبور به رعایت قوانینی حتی در فراجو خود است، برای دستیابی به همکاری و همدلی بین‌المللی مجبور به تدوین چنین قوانین و مقرراتی در زمینه توریسم نیز خواهد بود و چه بهتر که برنامه‌ریزان ایران که بیشتر بر مبنای ارزشی تکیه دارند در تدوین این اصول پیشقدم باشند.

هر یک از مراحل فوق می‌تواند در قالب یک طرح با شرح خدمات خاص به‌خود به مرحله اجرا درآید،

مطالعاتی است. با توجه به این ویژگیها که خلاصه‌وار بدان اشارت رفت، می‌توان طرح ایجاد زمینه‌های مطلوب برای توریسم فرهنگی را در سه مرحله به اجرا درآورد.

۱- مرحله نخست: منظور از اجرای این بخش دستیابی به اطلاعات مربوط به مطلوبیت‌های زمانی، امکانات جنبی موجود و کانونهای جذابیت توریسم فرهنگی است. به‌عبارت دیگر در این مرحله سعی بر آن است که ضمن ارائه تصویرهای گویا از دیدنیها و مصنوعات منحصر به فرد اصفهان و امکانات جنبه در این شهر، راهبردهایی که می‌تواند در بهسازی و رفع کمبودها مؤثر باشد مشخص گردد.

۲- مرحله دوم: مطالعه و بررسی راههای معرفی و ارتباط با توریست‌های فرهنگی در خارج از کشور و ارائه

**\* میراث‌های فرهنگی ملل در واقع دفاتر ثبت جهان بینی،  
نوع نگرش و تفکرات جوامع عقول یا متفکران آن ملل تلقی  
می‌شوند.**

بدهی است در طول اجرای طرح مجریان، هر موضوع دیگری که بتواند به اغنای اهداف مرحله نخست بیانجامد را می‌تواند بدان اضافه نمایند.

راه‌حلهایی که توریست‌ها بتوانند بدون تکلفات معمول از مراکز خاصی در اروپا، آمریکا و آسیا مستقیماً به اصفهان دسترسی پیدا کنند. در این مرحله طرح عینی اعلان اصفهان به‌عنوان یک منطقه آزاد توریستی مورد بررسی قرار می‌گیرد و راههای عملی و قانونی و مطلوبیت‌ها و تنگناهای آن بررسی می‌شود.

۳- مرحله سوم: مطالعه و بررسی راههای آماده‌سازی جو عمومی شهر و چگونگی هماهنگی نمودن دستگاههای اجرایی جهت پذیرش فرهنگی همکاری همه جانبه در پذیرایی و نسبیت فرهنگی داشتن با توریست‌ها. در این مرحله ضمن ایجاد نوعی نسبیت فرهنگی باید به طرح قوانینی فرامیلتی همت نمود، بگونه‌ای که جهانگردان و توریست‌ها حرمت

